

درک تجارب معلمان مدارس با نیازهای ویژه از آموزش فراگیر: یک مطالعه پدیدارشناسی

یوسف ادیب^۱، میرمحمود میرنسب^۲، کیوان رفیعیان^{۳*}، عبدالله رشیدزاده^۳، اعظم ختمی^۴

۱. استاد گروه علوم تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

۲. دانشیار گروه علوم تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

۳. دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران

۴. کارشناسی ارشد روان‌شناسی تربیتی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز، تبریز، ایران

تاریخ دریافت: ۹۶/۰۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۹۶/۰۹/۲۵

چکیده

مقدمه و هدف: آموزش فراگیر یکی از برنامه‌های مهم و اساسی در حوزه آموزش کودکان با نیازهای ویژه است. هدف این پژوهش مطالعه درک و تبیین تجربیات معلمان مدارس با نیازهای ویژه درباره چگونگی و شرایط آموزش کودکان با نیازهای ویژه و طرح آموزش فراگیر است.

روش بررسی: این پژوهش به روش کیفی با روی آورد پدیدارشناسی توصیفی انجام شده است. برای جمع‌آوری اطلاعات از مصاحبه نیمه‌ساختاریافته استفاده شد و داده‌های به دست آمده از این مصاحبه‌ها با روش پدیدارشناسی اسمیت (۱۹۹۵) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: با تجزیه و تحلیل داده‌ها در نهایت پنج مضمون اصلی استخراج شد که بیان‌کننده تجارب معلمان کودکان مدارس با نیازهای ویژه در مورد کار با کودکان با نیازهای ویژه و دیدگاه آنها در رابطه با طرح آموزش فراگیر است که این مضامین عبارت از مزایا، معایب، آموزش، بسترسازی فرهنگی و اجتماعی، امکانات، و معایب جداسازی هستند.

نتیجه‌گیری: در بررسی تجارب و دیدگاه معلمان مدارس با نیازهای ویژه مشخص شد که طرح آموزش فراگیر دارای محاسن و مزایای متعددی است و چگونگی آموزش در این طرح، شیوه‌ها، اهداف و محتوای آموزش مهم بوده و همچنین آماده شدن بسترهای فرهنگی اجتماعی و فراهم شدن امکانات از مقدمات ضروری اجرای این طرح است. نظام آموزش و پرورش کنونی که بیشتر مبتنی بر جداسازی دانش‌آموزان است دارای معایب اساسی بوده و نمی‌تواند پاسخگوی نیازهای همه دانش‌آموزان باشد.

کلیدواژه‌ها: آموزش فراگیر، پدیدارشناسی، آموزش، بسترسازی فرهنگی، کودکان با نیازهای ویژه

*نویسنده مسئول: کیوان رفیعیان، دانشجوی دکتری روان‌شناسی تربیتی، دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران.

تلفن: ۰۴۱-۳۲۸۲۷۷۲۷

ایمیل: Keyvanraf@gmail.com

مقدمه

یک قرن تجربه مربوط به ساختارهای آموزشی نشان می‌دهد که آموزش مجزا که در آن افراد بر اساس ویژگی‌های مختلف، مثل نوع و شدن ناتوانی گروه‌بندی می‌شوند و تحت آموزش‌های ویژه و جدا از همسالان بدون ناتوانی خود قرار می‌گیرند، نتوانسته است پاسخگوی بسیاری از نیازهای واقعی این افراد به عنوان عضوی از اعضاء یک جامعه انسانی باشد (۱). در چند دهه اخیر، آموزش و توانبخشی، دستخوش تحولات و نگرش‌های گسترده‌ای شده است به طوری که ارائه یک سری آموزش‌ها و اقدامات توانبخشی و دست‌یابی به نهایت توانایی فرد با ناتوانی فراتر رفته و یک زندگی اجتماعی و الحاق فرد دارای نیاز ویژه به جامعه را مدنظر قرار می‌دهد. در این راستا طرح توان‌بخشی مبتنی بر جامعه مطرح گردید و بیانیه سالامانکا (۲) کنفرانس جهانی آموزش نیازهای ویژه اسپانیا (۱۹۹۴) اعلام داشت که «ما همه دولت‌ها را فرامی‌خوانیم و به آنها قویاً توصیه می‌کنیم که اصل آموزش فراگیر را به عنوان یک قانون یا سیاست اتخاذ نمایند». در برنامه اقدام جهانی خاطر نشان شده است که معلولیت^۲ حاصل اختلال در رابطه بین افراد معلول و محیط زندگی است و هنگامی روی می‌دهد که موانع فرهنگی، فیزیکی و اجتماعی باعث عدم دسترسی این افراد به نظام‌ها و سیستم‌های مختلف اجتماعی شود که برای سایر شهروندان فراهم است.

براین اساس، معلولیت به معنی فقدان یا محدودیت فرصت‌ها در راه مشارکت در زندگی اجتماعی، در سطحی همانند با دیگران است و از این رو در بحث برابری فرصت‌ها به این نکته توجه می‌شود که نظام کل جامعه برای تمام افراد قابل دسترسی باشد. فرایند یادگیری دانش آموز با نیازهای ویژه، نیازمند حمایت همه اعضاء جامعه مانند والدین، حکومت و دیگران است (۳).

اخیراً مهمترین مسئله عمومی که توجه دولت‌های مختلف را به خود جلب نموده است، آموزش دانش آموزان با نیازهای

ویژه و نیازهای آموزشی آنها است (۴). از برنامه‌های مطرح در این زمینه برنامه آموزش فراگیر است. شورای انجمن آموزشی ویسکانسین (۲۰۱۲)، آموزش فراگیر را به عنوان فرایندی می‌داند که کودک با نیازهای ویژه در محیط آموزش عمومی، خدمات آموزشی دریافت می‌کند. آموزش فراگیر روندی است که بر اساس آن مدرسه و آموزش و پرورش باید به گونه‌ای تغییر کند که بتواند تمام کودکان را در زیر یک سقف و در کنار همسالانشان آموزش دهد. این نوع آموزش برای همه دانش آموزان و همه نژادها، توانایی‌ها و جنسیت‌ها ارزشمند و سودمند است (۵) و در این طرح همه دانش آموزان صرف نظر از نیاز ویژه‌ای که دارند و با وجود تنوع و گستردگی در تفاوت‌ها، مورد پذیرش قرار می‌گیرند (۶)؛ یعنی بر اساس این برنامه، جامعه‌ای آزاد و متنوع از نظر آموزشی در مدارس تشکیل می‌شود (۷).

آموزش فراگیر، فراخوان تحولی در تغییر نظام آموزشی است. مفهوم حمایت از آموزش فراگیر، بر تحصیل در نزدیک‌ترین مدرسه همجوار آموزش عمومی تمرکز دارد. طبق این مفهوم دانش آموزان با ناتوانی عضو گروه همسالان بهنجار خود هستند (۸)؛ بنابراین این کودکان باید مانند سایر کودکان از شرایط آموزشی یکسانی برخوردار باشند. اندیشیدن درباره آموزش فراگیر فواید آن را از جهات گوناگون به ما می‌نمایاند. یکی از فواید آموزش فراگیر، ایجاد فرصت برای کودکان دارای نیازهای ویژه است که با بچه‌های همسال خود آموزش ببینند که ضمن آن الگوهای رفتاری آنها از طریق همسالان بهبود می‌یابد (۹). با توجه به ضرورت و اهمیت آموزش و پرورش فراگیر و همپای اجرای برنامه‌های فراگیر در کشورهای مختلف، در ایران هم از ابتدای سال ۱۳۷۸ اجرای طرح آموزش فراگیر در دستور کار سازمان استثنایی وزارت آموزش و پرورش قرار گرفت و شورایی مرکب از کارشناسان مختلف در طرحی مشغول بررسی و تهیه و تدوین دستورالعمل اجرایی آن شدند و در ادامه به صورت

1. Inclusive education

2. Handicap

آموزش فراگیر است. برای بررسی و درک دیدگاه آنها از روش پدیدارشناسی توصیفی استفاده شده است که مراحل کلی تجزیه و تحلیل داده‌ها به روش پیشنهادی اسمیت (۱۱) صورت گرفت که مراحل این روش بدین صورت است: مواجهه اولیه (خواندن و بازخوانی یک مورد)، تشخیص و برجسب زدن به مضامین، فهرست کردن و خوشه‌بندی مضامین، ایجاد یک جدول خلاصه‌سازی، تلفیق مضامین استخراج‌شده، نگارش و توصیف پدیده.

در این پژوهش از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شد که محیط پژوهش شامل مدارس استثنایی شهرستان تبریز در سال ۱۳۹۴ بود و تعداد نمونه ۱۴ نفر از معلمان این مدارس بودند که شرط انتخاب افراد نمونه داشتن حداقل پنج سال سابقه کاری در این مدارس بود و افراد نمونه حق عدم پاسخگویی در جریان مصاحبه را داشتند و حق هرگونه عدم تمایل به همکاری برای آنها محفوظ بود. در این روش انتخاب تعداد نمونه تابعی از اشباع داده‌ها است و روش جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش یک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته بود؛ بدین صورت که به مدت ۴۰ تا ۵۰ دقیقه با هر کدام از شرکت‌کنندگان در پژوهش مصاحبه انجام شد و اطلاعات در هر جلسه ثبت و ضبط گردید و در این پژوهش ضمن رعایت مراحل قانونی جهت حضور در محیط پژوهشی به آنها ابراز شد که در صورت تمایل نتایج پژوهش در اختیارشان قرار می‌گیرد و همچنین مسائل اخلاقی از جمله افشا نکردن مشخصات شرکت‌کنندگان و گرفتن اجازه برای ضبط مصاحبه رعایت شد.

یافته‌ها

در این پژوهش با استفاده روش پدیدارشناسی توصیفی و با مطالعه مکرر و بازخوانی مصاحبه‌های انجام‌شده با شرکت‌کنندگان از طریق برجسب‌گذاری و کدگذاری متعدد به جوهره‌های اصلی یا همان مضامین موجود در متن پی برده

آزمایشی از سال تحصیلی ۱۳۸۷-۱۳۸۶ در ۷ استان کشور به اجرا درآمده است (۱۰). اخیراً نیز جهت آشنایی با این طرح، برای دانشجویان یک واحد درسی تحت عنوان آموزش فراگیر برای برخی رشته‌های کارشناسی در دانشگاه فرهنگیان در نظر گرفته شده است.

مطالعات نشان می‌دهد که معلمان کودکان با نیازهای ویژه نه تنها آمادگی دارند که آموزش و پرورش فراگیر را بپذیرند و یکی از مهم‌ترین افرادی که با کودکان با نیازهای ویژه در ارتباط هستند معلمان آنها هستند که درک تجاربشان در این زمینه می‌تواند به چگونگی و روند اجرای طرح فراگیر کمک نماید. بدین منظور در این مطالعه سعی می‌شود که با استفاده از یک پژوهش پدیدارشناسی توصیفی با انجام یک مصاحبه نیمه‌ساختاریافته با معلمان کودکان مدارس با نیازهای ویژه به عنوان کسانی که سالیان متعددی با این کودکان سروکار دارند، به درک تجربیات و دیدگاه آنها در مورد آموزش فراگیر پرداخته شود؛ بنابراین هدف اصلی این پژوهش ادراک تجارب معلمان کودکان با نیازهای ویژه و بررسی نظرات آنها درباره طرح آموزش فراگیر است.

روش

در این مطالعه از روش پژوهش کیفی با رویکرد پدیدارشناسی توصیفی^۱ استفاده شده است. پدیدارشناسی توصیفی شامل بررسی، تحلیل و توصیف مستقیم یک پدیده حتی‌الامکان آزاد از پیش‌فرض‌های تأیید نشده است. پدیدارشناسی توصیفی بر عمق تجربیات تأکید دارد و درک ما را از تجربیات زندگی افزایش می‌دهد (۱۱). با توجه به این که مهم‌ترین هدف و نقطه تمرکز طرح آموزش فراگیر، دانش‌آموزان با نیازهای ویژه است بدیهی است که اجرای هر طرحی بدون در نظر گرفتن تجارب زیسته معلمان این دانش‌آموزان امری ناقص است، در همین راستا پژوهش حاضر به دنبال درک و تبیین دیدگاه معلمان دانش‌آموزان مدارس با نیازهای ویژه در مورد طرح

1. Phenomenological Descriptive

دانش آموزان، فضای پویا و فعال، و فضای پرمهر و محبت است.

مضمون فرعی ۳: مزایای خانوادگی طرح آموزش فراگیر

مزایای خانوادگی طرح فراگیر شامل مجموعه مفاهیمی مانند سازش یافتگی و انطباق بیشتر اولیاء با مشکل کودک، عدم تحقیر خانواده و فرزند، تغییر نگرش اولیاء، نزدیکی مدرسه به منزل است. در ادامه بعضی از گفته‌های شرکت کنندگان در پژوهش را مرور می‌کنیم:

- اجرای طرح آموزش فراگیر باعث می‌شود که فرزندان با نیازهای ویژه خانواده‌ها همانند کودکان بدون ناتوانی در مدارس آموزش عمومی تحصیل کنند و این مسئله باعث می‌شود که کودک و خانواده احساس حقارت و خاص بودن را به مانند طرح جداسازی احساس نکنند.

- با اجرای طرح فراگیر دانش آموز با نیازهای ویژه می‌تواند در نزدیک‌ترین مدرسه به محل زندگی خود مشغول به تحصیل شده و این مسئله مشکلات خانواده‌ها را در این زمینه برطرف کرده و خانواده با مشکل کودک بیشتر سازش پیدا کرده و نگرش مثبت‌تری به کودک پیدا می‌کند.

مضمون اصلی ۲: معایب طرح آموزش فراگیر

از تفسیر یافته‌های به دست آمده از مصاحبه با شرکت کنندگان یک مضمون کلی دیگر به دست آمد که آن را تحت عنوان معایب طرح فراگیر مطرح می‌کنیم. این مضمون کلی به دو مضمون فرعی معایب اجرایی آموزش فراگیر و معایب روان‌شناختی آموزش فراگیر تقسیم می‌شود:

مضمون فرعی ۱: معایب اجرایی طرح آموزش فراگیر

مضمون فرعی معایب آموزشی شامل مشکلاتی مانند اخلاص در آموزش دیگر کودکان، تخصص نداشتن معلمان، دشواری آموزش، شکست‌های احتمالی دانش آموزان با نیازهای ویژه در این طرح، عقب‌ماندگی کودکان بدون ناتوانی، و عدم رسیدگی کافی به کودکان با نیازهای ویژه اشاره کرد. بعضی از گفته‌های شرکت کنندگان را در این مورد مرور می‌کنیم:

شد که نهایتاً ۵ مضمون اصلی و ۱۱ مضمون فرعی استخراج گردید و از مفاهیم و مضامین مطرح شده در متن مصاحبه‌ها مضامین اصلی زیر به دست آمد: مزایای آموزش فراگیر، معایب آموزش فراگیر، چگونگی آموزش در طرح فراگیر، بسترسازی فرهنگی و اجتماعی و امکانات و معایب جداسازی، که در ادامه یافته‌های به دست آمده در مورد هر کدام از مضامین ارائه می‌گردد.

مضمون اصلی ۱: مزایای طرح آموزش فراگیر

این مضمون شامل مضامین فرعی مختلفی از جمله مزایای اجتماعی، خانوادگی، و روان‌شناختی طرح آموزش فراگیر است.

مضمون فرعی ۱: مزایای اجتماعی

مضمون فرعی مزایای اجتماعی شامل مجموعه‌ای از مفاهیم مانند تحول اجتماعی، پذیرش به عنوان عضوی از جامعه، انطباق و سازش یافتگی با جامعه، حضور عادلانه در جامعه، رفتار و تعامل مناسب اجتماعی، ایجاد روابط و تعامل صمیمانه با همسالان است که در ادامه بعضی از گفته‌های معلمان مدارس افراد با نیازهای ویژه در این مورد را مرور می‌کنیم:

- تعامل دانش آموزان با نیازهای ویژه با دانش آموزان بدون ناتوانی، زمینه‌ساز تحول اجتماعی بیشتر آنها می‌شود و در نحوه آداب معاشرت و تعامل اجتماعی دانش آموزان تأثیرگذار بوده و همچنین حضور عادلانه در جامعه، از حقوق اساسی انسان‌ها است.

- ادغام دانش آموزان با نیازهای ویژه در مدارس آموزش عمومی باعث می‌شود که آنها با دانش آموزان بدون ناتوانی آشنا شده و روابط صمیمانه‌ای باهم برقرار کنند.

- کودک خود را با جامعه وفق می‌دهد و دانش آموزان با نحوه آداب معاشرت و تعامل اجتماعی آشنا می‌شوند.

مضمون فرعی ۲: مزایای فردی و روان‌شناختی

این مضمون شامل مجموعه مفاهیمی مانند آرامش روانی، تقویت حرمت خود و اعتمادبه‌خود، نشاط و شادابی بیشتر، ایجاد انگیزه و حرکت، حس کمک و همدلی در بین

گروهی و مشارکتی است. در ادامه بعضی از گفته‌های شرکت‌کنندگان را مرور می‌کنیم:

- آموزش کودکان با نیازهای ویژه احتیاج به خط بریل، کیت آموزشی، جعبه درسی، سی‌دی‌های آموزشی و کتاب خاص دارد.

- معمولاً برای یادگیری مطالب لازم است که فرصت بیشتری به این دانش‌آموزان داده شود.

- درگیر کردن حس‌های مختلف این کودکان و نیز آموزش به صورت عملی و مستقیم باعث می‌شود که راحت‌تر کسب مهارت نمایند و مطالب را یاد بگیرند.

مضمون فرعی ۲: محتوای آموزشی در طرح فراگیر

مضمون فرعی محتوای آموزش شامل مجموعه مفاهیمی مانند تغییر در برنامه‌های درسی، تنوع و متفاوت بودن برنامه‌ها، تأکید بر مهارت‌های عملکردی، آموزش مهارت‌ها، برگزاری کلاس‌های جبرانی و فوق‌برنامه، و برگزاری اردوهای مشترک بین دانش‌آموزان است. در ادامه بعضی از گفته‌های شرکت‌کنندگان در این مورد را مرور می‌کنیم:

- برنامه درسی طرح فرگیر باید مبتنی بر تفاوت‌های فردی فراگیران بوده و از تنوع لازم برخوردار باشد چرا که همه نوع کودکی ممکن است در کلاس حضور داشته باشند.

- معمولاً در آموزش دانش‌آموزان با نیازهای ویژه تأکید بر مهارت‌ها اولویت داشته و به مهارت‌های عملکردی بیشتر تأکید می‌شود و برگزاری کلاس‌های جبرانی و تکمیلی برای این دانش‌آموزان ضروری است.

مضمون فرعی ۳: اهداف آموزشی در طرح فراگیر

مضمون فرعی اهداف آموزشی شامل مجموعه مفاهیمی مانند خودمهارگری، خودگردانی، خودتنظیمی، شیوه صحیح زندگی، حرفه‌آموزی، افزایش تعامل اجتماعی، و تربیت شهروند خوب است. در ادامه بعضی گفته‌های شرکت‌کنندگان را در این مورد مرور می‌کنیم:

- یکی از اهداف اساسی آموزش به این کودکان باید خودمهارگری و کسب شیوه‌های صحیح زندگی باشد.

- دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در این طرح به علت سخت بودن دروس، ممکن است که نتوانند همپای دیگر دانش‌آموزان پیشرفت کنند و همین امر باعث افزایش شکست‌های تحصیلی آنها می‌شود.

- در واقع آشنایی با ابزارهای مختلف آموزشی مثل خط بریل و گفتارخوانی در تخصص همه معلمان نیست.

- حضور دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در کلاس‌های آموزش عمومی وقت بیشتری از زمان آموزش را به خود اختصاص داده و چون در یادگیری کندتر هستند، این امر می‌تواند باعث افت تحصیلی دانش‌آموزان بدون ناتوانی شود.

مضمون فرعی ۲: معایب روان‌شناختی در طرح آموزش فراگیر

مضمون فرعی معایب روان‌شناختی شامل مشکلاتی مانند طرد توسط کودکان، برچسب ناتوان خوردن، احساس حقارت، انزوا و گوشه‌گیری، و مسخره کردن کودک است. در ادامه برخی اظهارات معلمان مدارس افراد با نیازهای ویژه را مرور می‌کنیم:

- در خیلی مواقع دانش‌آموزان با نیازهای ویژه از طرف کودکان بدون ناتوانی به دلیل سادگی مورد تمسخر قرار گرفته و دست انداخته می‌شوند و مورد پذیرش قرار نمی‌گیرند.

- ممکن است دانش‌آموزان با نیازهای ویژه از جمع کناره‌گیری نموده و احساس کهنتری و گوشه‌گیری کنند.

مضمون اصلی ۳: یافته‌های مربوط به مضمون کلی آموزش

در بررسی گفته‌ها و تجارب معلمان کودکان با نیازهای ویژه یک مضمون کلی دیگر تحت عنوان چگونگی آموزش در طرح فراگیر مشخص شد که دربردارنده سه مضمون فرعی شیوه، محتوا، و اهداف آموزشی در طرح فراگیر است.

مضمون فرعی ۱: شیوه آموزشی در طرح فراگیر

مضمون فرعی شیوه آموزشی شامل مجموعه مفاهیمی مانند آموزش مبتنی بر عمل، آموزش دشوارتر، آموزش مبتنی بر تمرین و تکرار، آموزش مبتنی بر سطح هوشی فراگیران، فرصت و زمان بیشتر برای آموزش، آموزش انفرادی، آموزش

- در کنار اجرای طرح فراگیر لازم است که خدمات روان‌شناختی و توانبخشی مدارس را هم قوی‌تر کرده و این مسئله نیروی انسانی متخصص را می‌طلبد.

- چون عبور و مرور این دانش‌آموزان از پله‌ها خیلی سخت است، ضروری است که مدارس در یک طبقه طراحی شوند همچنین چیدمان صندلی‌ها در کلاس هم باید متناسب با شرایط فیزیکی این کودکان باشد.

مضمون اصلی ۵: معایب جداسازی

در بررسی مصاحبه با شرکت‌کنندگان به یک مضمون تحت عنوان معایب جداسازی دانش‌آموزان دست یافتیم که معایب جداسازی دانش‌آموزان شامل مجموعه مفاهیمی مانند اختلاف سنی بین دانش‌آموزان حاضر در یک کلاس، تضعیف مهارت‌های اجتماعی و ارتباطی، عدم برابری حقوق انسانی، احساس حقارت در بین اعضاء خانواده، برچسب منفی خوردن دانش‌آموزان، انطباق و سازش‌یافتگی کمتر است که بعضی از گفته‌های شرکت‌کنندگان را مرور می‌کنیم:

- در کلاس‌هایی که در مدارس با نیازهای ویژه تشکیل می‌شود به دلیل تکرار پایه، کودکان با اختلاف سنی خیلی زیاد وجود دارند و همین مسئله باعث مشکلاتی می‌شود.

- وقتی ما عده‌ای را به هر دلیلی مثل کم‌توانی ذهنی یا نقص جسمی یا هر مشکلی از دیگران جدا می‌کنیم در واقع آنها را از جامعه جدا کرده و از نظر انسانی و عاطفی به آنها آسیب‌زده و از نظر اخلاقی هم درست نیست.

- جداسازی موجب پرچسب‌زدن و ننگ عقب‌مانده بودن بر پیشانی این کودکان معصوم شده و فشار روانی زیادی به آنها و خانواده‌هایشان وارد می‌نماید.

در بررسی و جمع‌بندی تجارب و دیدگاه معلمان مدارس با نیازهای ویژه مشخص شد که طرح آموزش فراگیر دارای محاسن و مزایای متعددی است که خلاصه مضامین اصلی و فرعی به دست آمده در این پژوهش در جدول ۱ ارائه شده است.

- جهت خودگردانی دانش‌آموزان در طرح فراگیر باید برگزاری کلاس‌های حرفه‌آموزی در اولویت بوده که این امر باعث می‌شود که مهارتی کسب کرده و در آینده بتوانند درآمدی داشته باشند.

مضمون اصلی ۴: بسترسازی فرهنگی، اجتماعی و امکانات
این مضمون اصلی شامل دو مضمون فرعی بسترسازی فرهنگی و اجتماعی، و امکانات است که در به طور مختصر توضیح داده خواهد شد.

مضمون فرعی ۱: بسترسازی فرهنگی و اجتماعی

این مضمون شامل مجموعه مفاهیمی مانند آگاه‌سازی و تبیین طرح از سوی آموزش و پرورش، انجام پژوهش‌های بیشتر در این مورد، کنار گذاشتن نگرش‌های سنتی و قدیمی، در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی توسط معلمان و اولیاء، آموزش ضمن خدمت به معلمان است. در ادامه برخی از گفته‌های مشارکت‌کنندگان در این رابطه را مرور می‌کنیم:

- آگاه‌سازی معلمان و والدین و دانش‌آموزان بدون ناتوانی با اهداف و مزایای طرح فراگیر و چگونگی اجرای آن می‌تواند بسترسازی فرهنگی مناسبی را برای اجرای طرح فراهم نماید.

- انجام پژوهش‌های دانشگاهی در این زمینه ضروری بوده و باید نقاط قوت و ضعف این طرح مورد بررسی قرار گرفته و در مورد چگونگی اجرای بهتر آن متناسب با فرهنگ کشورمان مطالعات بیشتری انجام گیرد.

- خیلی از مردم سنتی و قدیمی فکر کرده و هنوز نسبت به کودکان با نیازهای ویژه نگرش منفی دارند.

مضمون فرعی ۲: امکانات

مضمون فرعی امکانات شامل مجموعه مفاهیمی مانند ارائه خدمات مشاوره و توانبخشی در مدارس، بالا بردن امکانات، سالم‌سازی فضای فیزیکی، یک طبقه بودن ساختمان مدارس و حقوق و مزایای کافی است که بعضی از گفته‌های مشارکت‌کنندگان در این رابطه را مرور می‌کنیم:

جدول ۱: مضامین اصلی و فرعی نتایج پژوهش از تجارب معلمان مدارس با نیازهای ویژه در رابطه با طرح آموزش فراگیر

مضامین اصلی	مضامین فرعی
مزایای طرح آموزش فراگیر	- مزایای اجتماعی - مزایای فردی و روان‌شناختی - مزایای خانوادگی
معایب طرح آموزش فراگیر	- معایب اجرایی طرح آموزش فراگیر - معایب روان‌شناختی طرح آموزش فراگیر
چگونگی آموزش در طرح فراگیر	- شیوه آموزشی در طرح فراگیر - محتوای آموزشی در طرح فراگیر - اهداف آموزشی در طرح فراگیر
بسترسازی فرهنگی و امکانات	- بسترسازی فرهنگی و اجتماعی - امکانات
معایب جداسازی دانش‌آموزان	- معایب جداسازی دانش‌آموزان

می‌کنند (۱۳)؛ بنابراین اجرای طرح فراگیر و حضور این کودکان در مدارس آموزش عمومی می‌تواند منجر به تغییرات تحول اجتماعی مثبتی گردد.

همچنین از دیدگاه معلمان کودکان با نیازهای ویژه طرح آموزش فراگیر دارای مزایای فردی و روان‌شناختی زیادی برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه به مانند آرامش درونی و روانی، تقویت حرمت خود و اعتماد به خود، نشاط و شادابی، تحرک و انگیزه، حس کمک و همدلی و فضای پرمهر و محبت است؛ این کودکان در کنار همسالان خود تأییدهای فردی فراوانی دریافت می‌کنند و این تأییدها به افزایش حرمت خود و تقویت حس مثبت در آنها می‌انجامد و همچنین آموزش فراگیر محیطی محرک برای رشد و یادگیری کودکان دارای نیازهای ویژه فراهم می‌کند (۹) که بدون شک افزایش حرمت خود و اعتماد به خود و به دست آوردن شرایط روانی مثبت می‌تواند در زمینه تحصیلی هم منجر به موفقیت این دانش‌آموزان شود. پژوهش‌های متعدد در این زمینه نشان می‌دهد که سلامت روانی دانش‌آموزان با پیشرفت تحصیلی آنها رابطه دارد و به این صورت دانش‌آموزانی که به نحوی از مشکلات روانی یا از فقدان بهداشت روانی مناسب رنج می‌برند اغلب با افت تحصیلی مواجه هستند (۱۴). این یافته‌ها با یافته‌های کابینی مقدم (۱۵) نیز همخوانی دارد. همچنین به نظر

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود در این پژوهش مضامین اصلی و فرعی متعددی به دست آمده است که از جمله نحوه آموزش، شیوه‌ها، اهداف، و محتوا در طرح آموزش فراگیر و همچنین برای اجرای مطلوب‌تر طرح آموزش فراگیر، آماده شدن بسترهای فرهنگی اجتماعی و فراهم شدن امکانات از موارد ضروری و اساسی است که باید به آن توجه شود.

بحث و نتیجه‌گیری

نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان‌دهنده محاسن و مزایای متعدد طرح آموزش فراگیر است. از دیدگاه معلمان کودکان با نیازهای ویژه اجرای این طرح می‌تواند منجر به پیامدهای اجتماعی، فردی، و روان‌شناختی مثبتی برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه شود. در سطح اجتماعی این طرح منجر به تحول اجتماعی، انطباق و سازش‌یافتگی با جامعه، تعامل مناسب اجتماعی و پذیرش به عنوان عضوی از جامعه برای دانش‌آموزان با نیازهای ویژه می‌شود که این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های مختلف (مانند ۸ و ۱۲) همسوی است. از طرفی طبق نظریه شناختی ویگوتسکی آموزش فراگیر بر تحول کودک اثر مثبت داشته، چراکه دربردارنده این نکته است که کودک با نیازهای ویژه در درون این کلاس‌های رشددهنده در کنار همسالان خود هرروز را در مدرسه با هم سپری

از دیگر یافته‌های به دست آمده از این پژوهش نتایج مربوط به چگونگی آموزش در طرح فراگیر شامل شیوه‌ها، اهداف و محتوای آموزش است. نتایج نشان‌دهنده تأکید معلمان مدارس با نیازهای ویژه بر شیوه‌های آموزشی مبتنی بر عمل، تمرین و تکرار، آموزش انفرادی، آموزش گروهی و مشارکتی بود به عبارتی آنها در آموزش کودکان با نیازهای ویژه بر روش‌های خاص و مستقیم تأکید داشتند که این یافته‌ها با نتایج به دست آمده توسط دیگر پژوهشگران (۱۶ و ۱۷) همخوانی دارد. هرچه موقعیت یادگیری عینی‌تر باشد با احتمال بیشتری دانش‌آموزان مطالب را یاد گرفته و به یاد خواهند آورد (۱۷) بنابراین در طرح آموزش فراگیر باید شیوه‌های آموزشی مانند تدریس همسال‌یار، آموزش به روش همکاری، یادگیری مشارکتی، مطالعه گروهی، آموزش موازی و آموزش انفرادی و مبتنی بر عمل و تمرین و تکرار طراحی و اجرا گردد.

همچنین بر اساس یافته‌های به دست آمده از پژوهش، بر تغییر برنامه‌های درسی، تنوع برنامه‌های درسی و آموزش مهارت‌های مختلف به دانش‌آموزان تأکید شد که با نتایج پژوهش‌های مختلف هم‌سویی دارد از جمله پژوهشگران (۱۸) معتقدند که برای موفقیت بیشتر این طرح باید تغییراتی در برنامه درسی عمومی داده شود چراکه وجود کودکان و نوجوانان آسیب‌پذیر که مستعد انزوا و طردشدگی هستند، نشان‌دهنده ضعف برنامه‌های درسی است (۱۹)؛ بنابراین از دیدگاه معلمان مدارس افراد با نیازهای ویژه، تغییر در برنامه‌های درسی و متناسب‌سازی برنامه‌ها و تنوع محتوایی آموزش از مسائل ضروری در اجرای موفق طرح فراگیر است. همچنین معلمان، غایت آموزشی برای فراگیران را خودگردانی، خودمهارگری، طرز صحیح زندگی کردن و تربیت شهروند خوب دانسته‌اند که این نتایج با یافته‌های سایر پژوهشگران (۲۰) هم‌سویی دارد. از اهداف آموزش فراگیر، کمک به دانش‌آموزان برای یادگیری چگونه زندگی کردن، کار کردن و باهم بازی کردن است. به هر حال با در نظر گرفتن آنچه که در مورد شیوه‌ها، محتوا و اهداف آموزشی مطرح شد می‌توان

معلمان اجرای طرح آموزش فراگیر، نتایج مثبتی برای خانواده‌های کودکان دارای نیازهای ویژه دارد، از جمله این که موجب سازش‌یافتگی و انطباق خانواده با مشکل کودک و کمک به عدم احساس کهنتری، تغییر در نگرش‌ها و نیز رفع مشکل دور بودن مدارس برای خانواده‌ها می‌گردد.

از طرفی مفهوم حمایت از آموزش فراگیر، بر تحصیل در نزدیک‌ترین مدرسه عمومی همجوار منزل کودک تمرکز دارد (۸)؛ بنابراین هنگامی که دانش‌آموزان با نیازهای ویژه در مدارس آموزش عمومی شرکت می‌کنند و مدارس به راحتی تفاوت‌ها را می‌پذیرند و با کودکان مثل یک فرد بهنجار برخورد می‌کنند این امر موجب می‌شود که کودک با ناتوانی ویژه دیگر احساس کهنتری نکند و به تبع آن خانواده هم فشار روانی کمتری را احساس نموده و به سهولت با مشکلات کنار می‌آید و در نتیجه به سازش‌یافتگی خانواده‌ها کمک می‌کند. پذیرش کودکان با نیازهای ویژه در مدارس آموزش عمومی و شرکت آنها در کلاس‌های فراگیر اثر مثبتی در روابط اجتماعی و تعاملی آنها با دیگر کودکان در حال و آینده خواهد داشت. این نتایج با یافته‌های مختلف (از جمله ۱۶) در این مورد همسو است. بر اساس یافته‌های این تحقیقات مدارس فراگیر به دلایل زیر امکان ارتقای مهارت‌های دانش‌آموزان با و بدون ناتوانی را فراهم خواهد کرد: ۱. وجود الگوی مناسب (دانش‌آموزان همسال و بدون ناتوانی)، ۲. امکان مقایسه عملکرد دانش‌آموزان با ناتوانی با الگوی تحولی مناسب و جهت‌گیری به سوی ارتقای مهارت‌های متفاوت آنها از سوی معلم، ۳. امکان بهره‌گیری از توان بالقوه همسالان بدون ناتوانی برای آموزش و ارتقای مهارت‌ها در دانش‌آموزان با ناتوانی، ۴. زمینه‌سازی پذیرش بهتر دانش‌آموزان با ناتوانی در متن جامعه با تغییر نگرش و فرهنگ‌سازی در محیط مدرسه که در آینده به ایجاد جامعه فراگیر منتهی می‌شود، و ۵. توسعه و ارتقای آگاهی مهارت و انعطاف‌پذیری عملکرد معلمان در جهت تلاش به منظور رفع نیازهای ویژه ناشی از تفاوت‌های تمامی دانش‌آموزان.

فراگیر در ایران به کمبود کتب درسی، وسایل کمک آموزشی، علمی و کمبود نیروی انسانی و بالا بودن هزینه‌ها اشاره می‌کند.

بر اساس یافته‌های به دست آمده از این پژوهش که توسط معلمان اشاره شد می‌توان به معایب و مشکلات احتمالی طرح فراگیر از جمله اختلال در آموزش کودکان بدون ناتوانی، کمبود نیروی متخصص، دشواری آموزش، شکست‌های احتمالی کودکان دارای نیازهای ویژه و تحقیر و تمسخر آنها اشاره کرد که نتایج به دست آمده در این مورد با نتایج پژوهش‌های مختلف همسویی ندارد. از جمله این که در پژوهشی (۱۲) نشان داده شد که داشتن تجربه تماس و تعامل اجتماعی با دانش‌آموزان با نیازهای ویژه و اطلاعات درباره این افراد می‌تواند بر نگرش افراد بدون ناتوانی نسبت به دانش‌آموزان با نیازهای ویژه تأثیر مثبت بر جای گذارد.

بر اساس نتایج این پژوهش می‌توان استدلال کرد که فرایند جداسازی کودکان نمی‌تواند پاسخگوی بسیاری از نیازهای واقعی این افراد به عنوان عضوی از اعضاء یک جامعه انسانی باشد (۱) و از طرفی امروز بعد از گذشت دو دهه مباحث آموزشی جدید به سمتی متمایل شده است که فراگیرسازی شامل هر فردی، هر کجا و در هر زمان در دسترس باشد (۲۷). همچنین پژوهش‌های مختلف نشان‌دهنده این مطلب است که با اجرای آموزش فراگیر، شرایط تحصیلی برای دانش‌آموزان با و بدون نیازهای ویژه بهبود می‌یابد (۱۶)؛ بنابراین برای تضمین دسترسی برابر همه کودکان فراگیر به آموزش، باید برخی راهبردها در جامعه اجرا شوند (۲۸). برنامه فراگیر دربردارنده نیاز به آرامش، اعتماد عمومی و تنظیم حرفه‌ای است، این امر موجب می‌شود که فضای آموزشی مناسبی برای یادگیری دانش‌آموزان فراهم گشته و بیشتر مشکلات و نگرانی‌های عمومی مورد توجه قرار گیرد (۲۹). همچنین لازم و ضروری است که آموزش فراگیر را نه تنها به عنوان یک برنامه آموزشی بلکه نگرش فلسفی بدانیم که درصدد پاسخگویی به نیازهای متعالی انسان بوده و گامی

نتیجه گرفت که برای اجرای کارآمد طرح آموزش فراگیر تغییر در ساختار، برنامه‌ها و اهداف آموزشی امری ضروری بوده و متناسب‌سازی برنامه‌های آموزشی باید بر مبنای تفاوت‌های فردی صورت گیرد.

همچنین بر اساس یافته‌های به دست آمده در این پژوهش، بسترسازی فرهنگی و زمینه‌سازی اجتماعی، آگاه‌سازی و تبیین طرح در جامعه، از مسائل مهم و ضروری است که جهت گسترش و اجرای طرح در جامعه باید مورد توجه قرار گیرد که پژوهش‌های مختلف در این زمینه با نتایج مورد نظر همسویی دارد. برخی پژوهشگران (۲۱) اشاره می‌کنند که درک فراگیرسازی برای معلم و پژوهشگر، نیازمند درک آیین و رسوم بومی و محلی و شرایط اجتماعی جامعه مورد نظر است. متأسفانه یکی از موانع در این مورد نگرش منفی جامعه به فراگیرسازی و عادت نمودن به آموزش به شیوه جداسازی است. در این مورد به پژوه (۲۲) اظهار می‌کند که نگرش‌های منفی در برابر تفاوت‌ها از یک سو و تعصب‌ها در جامعه از سوی دیگر، به شکل موانعی بر سر راه پیشرفت آموزش عمل می‌کنند؛ بنابراین لازم است که در دیدگاه‌ها و ارزش‌ها به منظور پذیرش تفاوت‌ها، تغییر ایجاد شود (۲۰). بنابراین بسترسازی فرهنگی، اجتماعی و تغییر نگرش معلمان، والدین و دانش‌آموزان از اولویت‌های اساسی و مهمی است که در راستای اجرای طرح فراگیر بایستی به آن پرداخته شود. همچنین معلمان مدارس کودکان با نیازهای ویژه اظهار داشتند که کمبود امکانات، سالم‌سازی فضای فیزیکی و ارائه خدمات روان‌شناختی در مدارس فراگیر از مقدمات ضروری اجرای این طرح است که این یافته‌ها با نتایج پژوهش‌های مختلف (۲۴-۲۶) همسو است. در واقع معلمان از ناکافی بودن مواد آموزشی، منابع مالی، کارکنان حمایت ویژه و اجرای اثربخش سیاست‌ها در آموزش فراگیر نگران هستند. همچنین حضور کودکان دیرآموز در مدارس عمومی نیازمند وجود برخی امکانات آموزشی و حمایت‌های خاص است (۲۴). خادیمان (۲۵) در پژوهشی از عوامل عدم پیاده‌سازی نظام آموزشی

نسبت به ناتوانی مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار دهند (۳۱).

در نهایت با توجه به یافته‌های این پژوهش و دیگر پژوهش‌ها مبنی بر اشکالات اساسی برنامه جداسازی کودکان و از طرفی مزایا و محاسن طرح فراگیر پیشنهاد می‌شود که جهت فراهم کردن مقدمات اجرای اثربخش و گسترده طرح آموزش فراگیر پژوهش‌های بیشتری در این زمینه انجام گرفته و سعی شود در این رابطه دیدگاه اندیشمندان این حوزه، معلمان، مربیان، مدیران، و والدین دانش‌آموزان لحاظ شود.

تشکر و قدردانی: این مقاله به صورت مستقل اجرا شده است و مجوز آن بر روی افراد نمونه از سوی سازمان آموزش و پرورش استان آذربایجان شرقی با شماره مجوز ۹۴/۱۸۶۵/۳۳۸۰/۶۰۴ صادر شد بدین وسیله از تمامی معلمان شرکت‌کننده در این پژوهش به خاطر همکاری بسیار خوبشان قدردانی می‌شود.

تضاد منافع: لازم به ذکر است که این پژوهش برای نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافی نداشته است.

تکاملی در راستای برابری حقوق انسانی است. اگر همه انسان‌ها، جدا از تفاوت‌هایی که دارند برابرند و باید از حقوق یکسانی برای بهره‌مندی از امکانات جامعه برخوردار باشند، پس تبعیض ناشی از اجرای برنامه جداسازی امری مطلوب نبوده و جامعه باید عملاً در راستای برطرف کردن این رفع تبعیض گام‌های اساسی بردارد. در این راستا با توجه به این که پژوهش نشان‌دهنده این نکته است که ۷۰ درصد معلمان آموزش عمومی، دانش محدودی درباره آموزش کودکان با نیازهای ویژه دارند و تقریباً نگرش آنها در این مورد منفی است (۳۰) پیشنهاد می‌شود جهت آشنایی بیشتر این معلمان با شرایط و نحوه آموزش کودکان با نیازهای ویژه، دوره‌هایی برای آشنایی بیشتر آنها با آموزش فراگیر برگزار شود. همچنین برگزاری جلسات و دوره‌هایی برای آشنایی والدین دانش‌آموزان بدون ناتوانی جهت بسترسازی فرهنگی و آمادگی بیشتر افراد جامعه ضروری است. تهیه امکانات و تجهیز مدارس قبل از اجرای عمومی طرح فراگیر از اولویت‌های اساسی است. فراگیرسازی همچنین مستلزم همکاری بین آموزش و پرورش عمومی و آموزش کودکان با نیازهای ویژه است و پژوهشگران نیز باید ساختار اجرایی، معلمان این کلاس‌ها و نگرش دانش‌آموزان بدون ناتوانی را

References

1. Kakojoibari AA, Hoysepien A. The Philosophical foundations of Inclusive Education. Tehran: Mashahir; 2001. [Persian].
2. Unesco. The Salamanca statement: Framework for action for special needs education New York: Unesco; 1994.
3. Kozleski BYuT., Satter, A. L., Francis, G. L., Haines, S. J. A never ending journey: Inclusive education is a principle of practice, not an end game. *Res Pract Persons Severe Disabil.* 2015; 40(3): 211-226.
4. Hornby G. Inclusive education for children with special educational needs: A critique of policy and practice New Zealand. *Jour of International and comp Edu.* 2012; 1(1): 52-60.
5. Ashman A. Education for inclusion and diversity. Ed 5th (.Malaysia Pearson Education. 2015.419-420.
6. Kratochvilova J. Learning condition-part of the support system for pupils in an inclusive classroom. *Procedia-Social and Behavioral Sciences.* 2015; 186: 637-643.
7. Clark K. The social worker as facilitator in inclusive education. Masters Degrees. Thesis University of Stellenbosch. 2007; 49-60.
8. Beh Pazho A. The effect of social contact on college teachers' attitudes toward students with severe mental handicaps and their educational integration. *Eur J Spec Needs Educ.* 1992; 7(2): 87-103.
9. Raschke D. Bronson J. Creative educators at work: All children including those with disabilities can play traditional classroom games. Retrieved from <http://www.uni.edu/coe/inclusion/Philosophy/benefits.html>. 1998.
10. Ziaei S. Inclusive education plan. *Journal of Exceptional Education.* 2009; 97: 124-128. [Persian].
11. Adib hajbagheri M. Parvizi S. Salsali M. Qualitative Research Methods. Eithe edition. Tehran Boshra Publishing. 2014. [Persian].
12. Ghasemi M. The need to change the attitude of the community, the people and the people towards the exceptional children. Conference on the Rights of Children and Students Exceptional. Tehran. 2001. [Persian].
13. Bryer F, Grimbeek P. Beamish W. Stanley A. How to use the parental attitudes to inclusion scale as a teacher tool to improve parent-teacher communication *Issues in Educational Research.* 2004; 14(2): 105-120.
14. Brodby H, Varyani M, Oglethorpe R, Raine W, White I, Helen M. British asian families and the use of child and adolescent mental health services: a qualitative study of a hard to reach group. *Soc Sci Med.* 2007; 65(12):2413-2424.
15. Kabini Mogaddam S. The status of implementation of inclusive education in Guilan province. *Journal of Exceptional Education.* 2007; 62-63: 41-61. [Persian].
16. Kavale A. Forness S. History and reality: Analysis of the inclusion debate. *Remedial Spec Educ.* 2000; 21(5): 279-296.
17. Drew CJ. Hardman ML. Intellectual disabilities across the lifespan, (9 th ed.). 2006. upper saddle River, NJ: Pearson-Merrill-prentice Hall.
18. Vogel SA, Leyser Y, Wyland S, Brulle A. Students with learning disabilities in higher education: Faculty attitude and practices. *Learn disabil Res Pract.* 1999; 14(3): 173-186.
19. Mitchell D. What Really Works in Special and Inclusive Education? Using Evidence-based Teaching Strategies. 2nd ed. London: Rutledge. 2014; 221-245.
20. Causton J, Tracy-Bronson CP. Macleod K. Beyond treats and timeouts: Humanistic behavior supports in inclusive classroom. *International J whole schooling.* 2015; 11(1): 68-84.
21. Waitoller FR, Artiles A J. A decade of professional development research for inclusive education: a critical review and notes for research program *Rev Educ Res.* 2013; 3(3): 319-356.
22. Beh-Pajooch A. The effect of social contact on college teacher's attitudes toward students with severe mental handicaps and their educational integration. *Eur J Spec Needs Edu.* 1992; 7 (2): 87-103.
23. Berry RA. Novice teacher's conceptions fairness in inclusion classrooms. *Teaching and Teacher Education.* 2008; 24(5): 1149-1159.

24. Daniel L. Impact of inclusion education and academic achievement student behavior and self-esteem and parental attitude. *The J Edu Res.* 1997; 91(2): 67-80.
25. Khademiyan MR. A study on the obstacles to implementing inclusive education in Semnan. Thesis for Master of Science. Roudhen, Iran: Islamic Azad University, 2002; 53-78. [Persian].
26. Lewis I. Inclusive education, where there are few resources. Oxford: Atlas Alliance. 2008.
27. Ferguson LD. International trends in inclusive education: the continuing challenge to teach one and everyone. *Eur J Spec Needs Edu.* 2008; 23(2): 109-120.
28. Farahbod M. Community- based Rehabilitation and Inclusive education. *Journal of Exceptional Children.* 2003; 3(2): 143-60. [Persian]
29. Hargreaves J. Walker L. Preparing disabled students for professional practice: managing risk through a principles-based approach. *J Adv Nurs.* 2014; 70(8): 1748-1757.
30. Bukvic Z. Teachers competency for inclusive education. *The European Journal of Social and Behavioural Sciences.* 2014; 1586-1590.
31. Polyzopoulou, K. Greek teacher's attitudes toward the inclusion of student's special educational needs. *Am J Educ Res.* 2014; 2(4): 208-218.

Archive of SID

Perception the Experiences of Special Schools Teachers from Inclusive Education: A Phenomenological Study

Yousef Adib¹, Mirnasab Mir Mahmoud², Keyvan Rafieyan^{*3}, Abdollah Rashidzade³, Azame Katmi⁴

1. Professor, Department of Psychology and Educational sciences, University of Tabriz Tabriz, Iran

2. Associate Professor, Department of Psychology and Educational Sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

3. Ph.D. candidate for Educational Psychology, Department of Psychology and Educational sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran

4. M.A. in Educational Psychology, Islamic Azad University, Tabriz Branch, Tabriz, Iran

Received: September 6, 2017

Accepted: December 16, 2017

Abstract

Background and Purpose: Inclusive education is one of the main and basic programs in the field of educating children with special needs. The purpose of the present study was to study the perception and explanation of teachers' experiences of schools with special needs in relation to the method and conditions of educating exceptional children and planning the inclusive education.

Method: This research was a qualitative one with descriptive phenomenological approach. To collect data, the semi-structured interview was applied. The data from these interviews were analyzed by Smith's phenomenological method (1995).

Results: By analyzing the data, in the end, five main themes were extracted from the experiences of special school teachers for working with children with special needs and their views on the inclusive education program: advantages, disadvantages, social and cultural accommodations, facilities, and the drawbacks of separating the students.

Conclusion: In examining the experiences and views of teachers of special schools, it became clear that the inclusive education program has many advantages and benefits. In implementing of the inclusive, teaching methods, goals, and content of education is important. Also, the preparation of social cultural platforms and the provision of facilities is an essential prerequisite for the implementation of this plan. The current education system, which is more based on the separation of students, has major disadvantages and cannot meet the needs of all students.

Keywords: Inclusive education, phenomenology, education, cultural accommodation, children with special needs

Citation: Adib Y, Mir Mahmoud M, Rafieyan K, Rashidzade A, Katmi A. Perception the experiences of special school's teachers from inclusive education: a phenomenological study. Quarterly Journal of Child Mental Health. 2018; 4(4): 193-204.

***Corresponding author:** Keyvan Rafieyan, Ph.D. candidate for Educational Psychology, Department of Psychology and Educational sciences, University of Tabriz, Tabriz, Iran.

Email: Keyvanraf@gmail.com

Tel: (+98) 041- 32828727